

اعلامیه‌ای مطبوعاتی

عامل بحران امنیت داخلی در پاکستان، ناکامی سیاست‌های دولت و هویتی است که این دولت بر بنیاد آن شکل گرفته است.

(ترجمه)

هویت قومی توانایی ادغام اقوام مختلف را در یک پیکر واحد ندارد! تنها خلافت و عقیده اسلامی می‌توانند ملت‌های گوناگون را در قالب یک امت واحد ذوب کنند!

در ۲۴ جولای ۲۰۲۶م، بار دیگر خون مسلمانان ریخته شد و این بار چهارده تن از نیروهای امنیتی در اثر انفجار یک ماین کنار جاده‌ای در منطقه «تنک» کشته شدند. تنها در چند ماه گذشته، رویدادهای خشونت‌باری در مناطق قبایلی و بلوچستان رخ داده و در کنار آن، اعتراضات اخیر در کشمیر آزاد نیز شعله‌ور شده است که در نتیجه آن، ده‌ها تن از نیروهای امنیتی و افراد ملکی جان باخته‌اند. با وجود سانسور رسانه‌ای و سیاسی‌سازی آمار تلفات، این بحران امنیت داخلی از بحران اقتصادی کم‌تر شدید نیست. این بحران‌ها دولت را از درون به لرزه درآورده و در برخی موارد، فرصت‌های آشکاری را برای دخالت دولت‌های دشمن در امور ما فراهم ساخته‌اند.

هرچند این بحران‌های امنیتی در ظاهر متفاوت به نظر می‌رسند، اما در حقیقت همگی ناکامی مفهوم سیاسی قوم‌گرایی را ثابت می‌کنند؛ مفهومی که از اندیشه «دولت-ملت» سرچشمه گرفته و بر هویت مبتنی بر میهن‌پرستی منطقه‌ای استوار است. هویت قومی‌ای که بر میهن‌پرستی منطقه‌ای بنا شده باشد، توانایی ادغام هویت‌های متنوع قومی و منطقه‌ای را ندارد؛ زیرا خود مفهوم قوم‌گرایی، مردم را بر اساس هویت‌های منطقه‌ای از یکدیگر جدا می‌سازد.

در اصل، میهن‌پرستی منطقه‌ای پیوندی عاطفی، سطحی و غیرعقلانی است؛ زیرا چنین پیوندی حتی در میان حیوانات فاقد عقل نیز پدید می‌آید. ساختن هویت قومی بر اساس مرزهایی که بریتانیا ترسیم کرده، مفهوم غربی است؛ در حالی که اسلام از چنین عصبیت‌هایی که بر این بنیاد شکل گرفته‌اند، به شدت هشدار داده است.

رهبران نخستین سیاسی پاکستان آگاه بودند که متحدا ساختن هویت‌های قومی و منطقه‌ای از طریق قوم‌گرایی مبتنی بر سرزمین، ناممکن است. از همین رو تلاش کردند مردم را بر اساس عقیده اسلامی متحد سازند و آنان را زیر شعار «معنای پاکستان چیست؟ لا إله إلا الله» گرد آورند؛ اما این شعار به دو دلیل جاذبه و تأثیر خود را از دست داد:

نخست) در هشتاد سال گذشته، حکام اسلام را تطبیق نکرده‌اند؛ بلکه زیر پوشش اصل سکولاریستی آزادی عبادت، تلاش کرده‌اند مردم را فریب دهند تا باور کنند که اسلام تطبیق شده است. در حقیقت، قانون اساسی پاکستان، قوانین آن و تمام ساختار دولت بر نظام سکولار بنا شده و مردم این واقعیت را دریافته‌اند.

دوم) هنوز این پرسش در ذهن مردم طنین‌انداز است که چرا مسلمانان غزه، برما، ترکستان شرقی و افغانستان بر بنیاد کلمه توحید، با ما یک امت نباشند؟ چرا کسانی که به «لا إله إلا الله» ایمان دارند، تنها به دلیل قرارداد شدن در بیرون از مرزهایی که بریتانیا ترسیم کرده است، خارج از هویت قومی پاکستانی شمرده می‌شوند؟ آیا ما و کلمه توحید یک جان واحد نیستیم؟ آیا الله سبحانه و تعالی همه مسلمانان را امر نکرده است که با بیعت یک خلیفه واحد متحد شوند؟ آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم نفرموده است:

«إِذَا بُويعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

ترجمه: هرگاه با دو خلیفه بیعت شد، خلیفه دوم را بکشید.

با این همه، حکام در طول هشتاد سال گذشته، پیوسته مسلمانان پاکستان را با این ادعا فریب داده‌اند که: «نخست باید خود را نیرومند سازیم، سپس در آینده به این مسئله خواهیم پرداخت».

بر همین اساس، نبود یک «هویت عقیدتی» نیرومند، مانع متحداختن مسلمانان بلوچستان، کشمیر و مناطق قبایلی پشتون‌نشین شده است و این پدیده اکنون به مناطق دیگر نیز گسترش می‌یابد. دولت به جای آن که برای این مشکل سیاسی و فکری، راه‌حلی سیاسی و فکری جست‌وجو کند، سلاح و گلوله را برگزیده و آن را روش «دولت سخت» نامیده است.

ما می‌پرسیم: آیا می‌توان با زور، هویتی را بر کسی تحمیل کرد؟ چگونه ممکن است چوب، مسلسل و گلوله راه‌حلی درازمدت برای این مسئله شمرده شوند؟ آیا این وضعیت دلیلی بر ورشکستگی فکری و سیاسی حکام و این رژیم نیست؟

هویت که بر اسلام استوار باشد، می‌تواند بحران‌های امنیتی پاکستان را پایان دهد و سرزمین‌های اسلامی را زیر یک کلمه متحد سازد. تطبیق کامل اسلام، جنگجویان قبایلی را به آغوش دولت بازمی‌گرداند، فداکاری‌های کشمیری‌ها را زنده می‌سازد و آنان را از گرایش‌های جدایی‌طلبانه جدا می‌کند. همچنان مسلمانان بلوچ را از جدایی‌طلبان سکولار و سوسیالیست دور ساخته و بار دیگر به دولت پیوند می‌دهد. این امر راه را برای ادغام مسلمانان افغانستان زیر حاکمیت یک خلیفه واحد هموار می‌کند؛ خلافتی که گسترش آن ادامه خواهد یافت تا تمام امت اسلام را دربر گیرد.

راه تثبیت هویت اسلامی به عنوان هویت یک امت واحد، برپایی خلافت است؛ دولتی که دولت همه مسلمانان بوده و اسلام را به گونه کامل تطبیق می‌کند.

حزب التحریر-ولایت پاکستان، همه آگاهان را فرامی‌خواند تا در مبارزه برای برپایی خلافت به حزب التحریر بپیوندند و از اهل قدرت و نصرت می‌خواهد که برای تأسیس خلافت بر منهج نبوت، نصرت خویش را به این حزب اعطا کنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا) [آل عمران: 103]

ترجمه: و همگی به ریسمان الله (سبحانه و تعالی) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت الله (سبحانه و تعالی) را بر خود به یاد آورید؛ آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های‌تان الفت انداخت و به برکت نعمت او برادر شدید، و شما بر لبه گودالی از آتش بودید و او شما را از آن نجات داد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایت پاکستان